

# انتخابات ترکیه: بلایی در سرای اردوغان

کان هالینان / ترجمه‌ی عباس شهبایی فراهانی



1 با مهیاشدن ترکیه برای یکی از مهم‌ترین رأی‌گیری‌های تاریخ معاصرش، به قول یکی از تحلیلگران، «شکاف‌ها»یی در حال چندپاره کردن کشور هستند:

\* تنش‌های درازدامنه با جمعیت کرد کشور به جنگی آشکار انجامیده است.

\* یک حزب سیاسی به رهبری کردها مورد هجوم ناسیونالیست‌های راست‌گرا و سازمان تروریستی «جبهه‌ی اسلامی» قرار گرفته است.

\* روزنامه‌نگاران مستقل مورد حمله‌ی ارادل و اوباش تحت هدایت اعضای حزب حاکم رجب طیب اردوغان، «عدالت و توسعه» قرار گرفته‌اند.

\* اردوغان، خانواده‌اش و چهره‌های برجسته‌ی حزب عدالت و توسعه در طرح‌های فسادآلود بسیاری گیر افتاده‌اند.

\* اقتصاد دچار رکود شده، تورم در حال افزایش است، بیکاری پنجمین سال است که روند صعودی دارد، گردشگری روبه افول است، و ارزش لیر ترکیه در سراسرایی افتاده و این خود به افزایش بدهی ملی انجامیده است.

همه‌ی چیزی که ترکیه کم دارد، باران قورباغه‌ها و جوی‌های خون است، اما هنوز تا انتخابات یکم نوامبر زمان باقی مانده است. برخی از این بلایا ریشه‌دار و قدیمی‌اند، اما بیش‌تر آن‌ها نتیجه‌ی مستقیم عزم اردوغان برای نقض کردن نتیجه‌ی انتخابات ژوئن گذشته است؛ انتخاباتی که در آن حزب عدالت و توسعه کنترل مطلق خود را بر پارلمان از دست داد و نقشه‌ی بزرگ رئیس‌جمهور برای یک قوه‌ی مجریه‌ی

قدرت - تحت فرمان خود او - را نقش بر آب کرد. در انتخابات هفتم ژوئن، حزب اردوغان اکثریت مطلق خود در قوه‌ی مقننه را از دست داد. شکست این حزب عمدتاً ناشی از حضور ناگهانی «حزب دموکراتیک خلق‌ها» - حزبی چپ‌گرا و تحت رهبری کردها - بود که ۱۳.۱ درصد آرا و هشتاد کرسی مجلس را به خود اختصاص داد، کرسی‌هایی که پیش‌تر نصیب حزب عدالت و توسعه می‌شدند. کمی پیش از اعلام نتایج نهایی رأی‌گیری، اردوغان عزم خود را جزم کرد که مانع از شکل‌گیری دولت [ائتلافی] شود تا انتخاباتی دیگر برگزار شود. نکته‌ی کلیدی این تصمیم، مبارزه‌ی تمام‌قد برای سرکوب حزب دموکراتیک خلق‌ها و جلوگیری از دستیابی مجدد آن به حداقل ده درصد رأی لازم برای فرستادن نماینده به پارلمان بود. و اردوغان، به سبک راستین عهد عتیق، افسار از آشوب و غضب برداشت.

نخست، به مذاکرات [صلح] و آتش‌بس دوساله با «حزب کارگران کردستان» (PKK) پایان داد و بمباران کردها در سوریه و عراق را آغاز کرد. او همچنین به حزب دموکراتیک خلق‌ها اتهام زد که جبهه‌ی پ‌ک‌ک است و خواستار آن شد که رهبر پویا و فعال حزب دموکراتیک خلق‌ها، صلاح‌الدین دمیرتاش، به‌خاطر حمایت از تروریسم محاکمه شود. دفاتر حزب دموکراتیک خلق‌ها مورد هجوم اراذل ناسیونالیست راست‌گرا از حزب عدالت و توسعه و حزب راست‌گرای افراطی «حرکت ملی» قرار گرفت. چندین روزنامه و نشریه‌ی مخالف اردوغان نیز مورد حمله قرار گرفتند و دولت نسبت به این حملات یا سکوت پیشه کرد یا به محکومیتی معوق بسنده کرد. آن‌گونه از بمب‌گذاری‌های انتحاری که بلای جان بخش اعظمی از خاورمیانه است، [در ترکیه نیز] ظاهر شدند. حدود سی‌و‌دو فعال چپ‌گرای کرد در بیستم جولای در شهر مرزی سوروج کشته شدند، و در دهم اکتبر نیز در یک تظاهرات صلح در آنکارا - که حزب دموکراتیک خلق‌ها آن را سازماندهی کرده بود - بمب‌گذاری شد که به مرگ بیش از صد نفر و مجروحیت صدها نفر انجامید. درحالی‌که متهم هردو مورد داعش بود، پارانویا این روزها همه‌جا شایع شده است. نخست‌وزیر ترکیه، احمد داوود اوغلو، پ‌ک‌ک را متهم کرده - چیزی که به شدت نامحتمل است، زیرا راهپیمایی علیه جنگ با کردها بود - و دمیرتاش نیز دولت را. دیگران گمان می‌برند که کار «گرگ‌های خاکستری» از حزب حرکت ملی بوده باشد. «گرگ‌های خاکستری» یک جوخه‌ی مرگ مخفی است که در دهه‌های هشتاد و نود میلادی هزاران کرد و چپ‌گرا را به قتل رسانده است. نه‌تنها دولت تا چندین روز پس از کشتار ساکت ماند، نیروهای امنیتی ترکیه نیز راهپیمایی‌های بزرگ‌داشت در آنکارا و استانبول را در هم شکستند.

یک دهه پیش، ترکیه با همسایگان خود در صلح به سر می‌برد، از رونق اقتصادی برخوردار بود، دموکراسی در حال شکوفایی داشت، ارتش کودتای کشور به سربازخانه‌ها عقب نشسته بود، و جنگ چهل‌ساله با کردها خاتمه‌یافته به نظر می‌رسید. ترکیه، با اقداماتش در راستای یافتن راهکاری صلح‌آمیز برای بحران هسته‌ای ایران، به یک بازیگر بین‌المللی نیز بدل شده بود.

امروز، ترکیه درگیر جنگی بدنام در سوریه است، اقتصادی آشفته دارد، مردم آن در دو قطب قرار گرفته‌اند، روابطش با مصر و اسرائیل خصمانه‌اند، صلح با کردها در هم شکسته، و دموکراسی در محاصره قرار گرفته است. ترکیه از روسیه، عراق و ایران فاصله گرفته و حتی نتوانسته است دوباره در شورای امنیت سازمان ملل انتخاب شود. چه اتفاقی افتاده؟

بخش زیادی از این تحولات به مردی برمی‌گردد که در این دوازده سال گذشته بر سیاست ترکیه سلطه داشته و می‌خواهد یک دهه‌ی دیگر هم بر کشور حکم براند؛ یعنی رجب طیب اردوغان. در رابطه با برخی از این وقایع، مسئولیت محدودی بر دوش اوست. برای مثال، شرایط بد اقتصادی مثل اکثر اقتصادهای سرتاسر جهان است. اما بخش زیادی از آنچه در ترکیه رخ داده - خوب یا بد - تا حد زیادی به خاطر ایجاد

یک رژیم اسلامی میانه‌رو توسط اردوغان است؛ رژیمی که قدرت ارتش و نخبگان سکولار را - که از زمان بنیانگذاری ترکیه در سال ۱۹۲۳ بر سیاست این کشور چیره بوده‌اند - در هم کوبید.

اردوغان و متحدین‌اش - متحدینی که از آن زمان تاکنون با آن‌ها دچار مشکل شده است - ارتشی را سر جای خود نشانده‌اند که از ۱۹۶۰ به بعد چهار کودتا به سرانجام رسانده بود. او همچنین با کردها وارد صلح شد و به جنگی پایان داد که جان چهل‌هزار نفر را گرفته و ۱۰۲ میلیارد دلار هزینه برداشته بود. نفع جانبی این اقدام آن بود که شمار زیادی از کردهای روستایی و دین‌دار طرفدار حزب عدالت و توسعه شدند. حزب عدالت و توسعه بدین‌ترتیب برتری چشمگیری نسبت به همه‌ی احزاب پارلمان به دست آورد.

اما در سال ۲۰۱۰، هنگامی که بهار عربی در سرتاسر خاورمیانه طوفان به پا کرد و ترکیه در این راستا دو گام سرنوشت‌ساز برداشت، همه‌چیز شروع به خراب‌شدن کرد. آن دو گام سرنوشت‌ساز عبارت بودند از حمایت ترکیه از شورشیانی که قصد براندازی بشار اسد در سوریه را داشتند، و حمایت از اخوان المسلمین در مصر. گام نخست، آنکارا را در باتلاق گیر انداخت، رابطه‌اش را با روسیه، عراق و ایران خراب کرد، و گام دوم قماری بد بود: ارتش مصر، با پشتوانه‌ی مالی عربستان سعودی، در سال ۲۰۱۳ اخوان را برانداخت.

همه‌ی این «طوفان و شور» است که انتخابات آتی را برای حزب عدالت و توسعه، و مخصوصاً برای خود اردوغان، چنین حیاتی می‌کند. ناتوانی در کسب اکثریت قاطع همچون نشانه‌ای بر نامحسوبیت جنگ با کردها و سیاست آنکارا در سوریه نگریسته خواهد شد، و ممکن است بحث فساد را که حزب عدالت و توسعه توانسته بود از آن فرار کند، دوباره سر زبان‌ها بیندازد. یکی از مقام‌های سابق ترک در مصاحبه با فایننشال تایمز می‌گوید: «این انتخابات به وجود اردوغان وابسته است. هنوز در این کشور مطالبه‌ی پاسخگویی از دولت وجود دارد و او این را می‌داند.»

به خاطر سرشت «وجودی» رأی یکم نوامبر است که اردوغان دست به هر کاری می‌زند، اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که نتیجه چیزی شبیه به انتخابات ژوئن گذشته خواهد بود. حزب عدالت و توسعه ممکن است یک یا دو درصد بیش‌تر رأی بیاورد، اما این به‌مراتب پایین‌تر از اکثریتی است که برای پیش‌برد تغییرات در قانون اساسی و ایجاد یک نظام ریاستی قدرتمند نیاز دارد.

نظرسنجی‌ها همچنین نشان می‌دهند که هدف عمده‌ی اردوغان تا پیش از انتخابات، یعنی حزب دموکراتیک خلق‌ها، احتمالاً این بار اندکی بهتر عمل کند، تا حدی به این علت که اردوغان جامعه‌ی کرد را کاملاً با خود بیگانه کرده است. کردها بیست درصد جمعیت ترکیه و حدود هفده تا هجده درصد جمعیت رأی‌دهنده‌ی این کشور را تشکیل می‌دهند. اگر نظرسنجی‌ها درست از کار در بیایند، ترکیه دولتی دوپاره خواهد داشت، و این نیز خطرهای خودش را به دنبال دارد. نخست، بیش‌ازپیش، با استراتژی اقتدارطلبانه‌ی رئیس‌جمهور مواجه خواهیم بود. برای مثال، اردوغان می‌گوید که دیگر مقید به قانون اساسی نیست، زیرا نخستین رئیس‌جمهور مستقیماً انتخاب‌شده در تاریخ ترکیه است. او این مقام را با ۵۲ درصد آرا در سال ۲۰۱۴ از آن خود کرد. رؤسای جمهور معمولاً توسط پارلمان انتخاب می‌شوند و وظیفه دارند بی‌طرف باشند. عبدالرحیم بویونوکالین، رهبر شاخه‌ی جوانان حزب عدالت و توسعه و نماینده‌ی مجلس، اخیراً گفته که «نتیجه‌ی انتخابات یکم نوامبر هر چه باشد، ما او [اردوغان] را رهبر خواهیم کرد.»

دوم این که، حزب عدالت و توسعه ممکن است با حزب راست‌گرای افراطی «حرکت ملی» وارد ائتلاف شود، که یقیناً به معنای تشدید جنگ علیه کردها خواهد بود و سازمانی را که شیفته‌ی خشونت و آشکارا مخالف دموکراسی است، در مواضع قدرت می‌نشانند. درحالی که ادغام این دو حزب باز هم چهارصد کرسی موردنیاز حزب عدالت و توسعه برای تغییر قانون اساسی را در اختیارش نمی‌گذارد، اما تأثیر یأس‌آوری بر فعالیت‌های سیاسی خواهد داشت.

همچنین، امکان یک دولت «ائتلافی بزرگ» با [مشارکت] حزب سکولار «جمهوری‌خواه خلق»، دومین حزب بزرگ در مجلس، وجود دارد. اما این نیازمند تقسیم قدرتی است که اصلاً باب طبع اردوغان نیست. باین‌حال، برخی ضدجریان‌ها نیز وجود دارند. به‌رغم لاس‌زدن اردوغان با حکمرانی اقتدارطلبانه، ترکیه همچنان یک کشور دموکراتیک است، و ارتش آن هیچ علاقه‌ای به مداخله در امور مدنی نشان نمی‌دهد. درحقیقت، ناآرامی‌هایی در ارتش بر سر مسئله‌ی جنگ با کردها وجود دارد، و دولت بارها در مراسم تدفین سربازان تقبیح شده است. ارتش همچنین روشن کرده که هیچ علاقه‌ای به درگیر شدن در جنگ داخلی سوریه ندارد.

اردوغان محاسبه کرد که شعله‌ورساختن مجدد آتش جنگ با کردها، کشور را پشت او متحد می‌کند، اما خلاف این ثابت شد، و متحدین بین‌المللی‌اش اشتیاقی به این اقدامات ندارند. اروپایی‌ها و ایالات متحده درحالی که می‌گویند ترکیه حق دارد از خودش دفاع کند، خواستار پاسخی «متناسب» هستند و نه بمباران گسترده‌ی آنکارا بر سر کردهای شمال عراق و سوریه.

البته، ناخرسندی متحدین بازتاب این واقعیت است که دولت عدالت و توسعه تمایزی بین داعش، پ‌ک‌ک و شاخه‌ی سوری آن - اتحاد دموکراتیک کردستان - نمی‌گذارد، درحالی که متحدین ترکیه کردها را معتمدترین و مؤثرترین نیرو علیه داعش می‌دانند. ترکیه اخیراً به روسیه و ایالات متحده به خاطر تسلیح کردهای سوریه شکایت کرده، شکایتی که هیچ‌یک از آن کشورها توجهی بدان نکردند.

جنگ سوریه برای اردوغان یک فاجعه بوده است. حدود ۶۳ درصد از مردم ترکیه با سیاست دولت عدالت و توسعه در سوریه مخالف‌اند، و تنها ۲۰ درصد از براندازی اسد حمایت می‌کنند. بیش از ۶۵ درصد مخالف یکی از اقدامات اصلی اردوغان، یعنی تشکیل منطقه‌ی حائل درون سوریه، هستند. درحالی که در گذشته حزب عدالت و توسعه می‌توانست [همه‌ی این ناکامی‌ها] را به جریان اقتصادی حواله کند، این کار نیز امروز بسیار دشوار شده است.

چند هفته‌ی آتی، پُر از خطر است. حزب عدالت و توسعه و ناسیونالیست‌های افراطی می‌کوشند رأی‌دهندگان‌ها را تحت فشار بگذارند، به‌ویژه در استانبول و شرق و جنوب‌گردنشین. پ‌ک‌ک تا زمان انتخابات اعلام آتش‌بس کرده، اما دولت ترکیه توجهی به آن ندارد. آیا اردوغان از جنگ به‌عنوان بهانه‌ای برای الغای انتخابات در مناطق گردنشین استفاده خواهد کرد؟ اردوغان حتی ممکن است در صورت عملکرد ضعیف حزب‌اش، از پذیرش نتایج انتخابات سر باز زند، و پیش‌تر تمایل‌اش را برای اعمال خشونت نشان داده است. سرکوب بی‌رحمانه‌ی تظاهرات پارک گزی در سال ۲۰۱۳، نمونه‌ای از این تمایل است. اما اردوغان دیگر نمی‌تواند حمایت اکثریت مردم ترکیه را داشته باشد، و آنچه در داخل کشور انجام می‌دهد، تحت نظارت دقیق جامعه‌ی بین‌المللی - که بر بحران پناهجویان ناشی از جنگ سوریه متمرکز است - قرار خواهد گرفت.

در کم‌تر از دو هفته، مردم ترکیه در انتخاباتی رأی خواهند داد که دلالت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بسیاری دارد. ممکن است نتیجه‌ی آن تعیین کند که آیا خاورمیانه بیش‌تر در جنگ و آشوب فرو می‌رود یا حرکت در مسیری که بهار عربی در اصل تدارک دیده بود، گام خواهد برداشت.

این یادداشت ترجمه‌ای است از:

<http://fpif.org/turkeys-election-a-plague-upon-the-house-of-erdogan/>